



گفت و گو با مهدی ارگانی (مدیر رادیو در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰)

● حامد خزایی

تبلیغات جنگ و ثبت خاطرات آن دوران، ارزش و قیمتی والا دارد. مدیریت در رادیو آن هم در زمان جنگ ازدشوارترین مسؤلیت‌ها در تاریخ رادیو بوده است. اداره رادیو در زمان جنگ تنها با مدیریت بحران امکان‌پذیر بود؛ زیرا در فاصله کمی از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به تنهایی مجبور به دفاع از خود در برابر رژیم بود که از حمایت کشورهای امپریالیستی بهره می‌برد. در ادامه، گفت و گویی با جناب آقای ارگانی، مدیر رادیو در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ ترتیب داده‌ایم که می‌خوانیم. آقای ارگانی در حال حاضر مشاور وزیر ارشاد، مشاور رئیس صدا و سیما، عضو هیئت مدیره کانون پرورش فکری و معاون هنری مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام (ره) هستند.

□ در چه سالی وارد رادیو شدید

○ تقریباً اواخر سال ۱۳۵۹ آن موقع اوج درگیری‌ها بود. نکته اصلی در مدیریت من در رادیو این بود که به طور متوسط هر سه هفته یک بار، برنامه‌های رادیو، ویژه می‌شد؛ تمام جدول‌های پخش کنار گذاشته می‌شد و برنامه زنده، آن هم درباره جنگ، با همه سختی‌هایش اجرا می‌شد. در برنامه‌های زنده از یک طرف نمی‌بایست هیچ گونه اطلاعاتی لو می‌رفت و از طرف دیگر، شنونده

□ آقای ارگانی؛ از سوابقتان در رادیو و قبل از آن بگویید

○ من در کانون پرورش فکری بودم و از اوایل انقلاب در شورای سناریو و شورای تئاتر کشور فعالیت می‌کردم.

□ لطفاً در این باره بیشتر توضیح دهید

○ در آنجا کار ما این بود که تئاتر‌ها را هم زمان با روخوانی هنرپیشه‌ها ارزیابی می‌کردیم. روزی که مشغول ارزیابی نمایش اولدوز و کلاغ‌ها بودم، متوجه شدم که جنگ شروع شد.



در همه جا به خصوص در رادیو و تلویزیون فعال بودند. برای مثال، منافقین، چریک‌های فدایی و گروه‌های دیگر، فعال بودند و با هیئت مؤسس نیز مشکل داشتند. یادم می‌آید یکی از دوستان شاغل در تلویزیون می‌گفت: «ما دو سال بعد از انقلاب، تازه فهمیدیم استودیوهای تولید داریم». یعنی اصلاً بچه‌ها را به آنجا راه نمی‌دادند

هم نمی‌بایست خسته می‌شد.

□ در رادیو چه خبر بود

○ در کشورهایی که انقلاب رخ می‌دهد، مطمئناً برنامه ریزی بعدی حساب شده تراسست و تکلیف سازمانی مثل رادیو و تلویزیون به سرعت مشخص می‌شود، ولی در ایران و بعد از انقلاب اسلامی این گونه نبود؛ نقاط قدرت متعددی که بارهبری انقلاب هماهنگی نداشتند، در همه جا به خصوص در رادیو و تلویزیون فعال بودند. برای مثال، منافقین، چریک‌های فدایی و گروه‌های دیگر، فعال بودند و با هیئت مؤسس نیز مشکل داشتند. یادم می‌آید یکی از دوستان شاغل در تلویزیون می‌گفت: «ما دو سال بعد از انقلاب، تازه فهمیدیم استودیوهای تولید داریم». یعنی اصلاً بچه‌ها را به آنجا راه نمی‌دادند. در آن زمان مدیران پخش تلویزیون چند نفر بودند؛ از جمله آقایان مهندس بهشتی، کرباسچی، یاسینی، آقای ایزدی و کریمیان. در آغاز جنگ، شبکه اول تلویزیون در هر روز حدود هفت یا هشت ساعت برنامه داشت و شبکه دوم هم آموزشی بود. بنابراین همه بار مسائل خبری و تبلیغات جنگ بر دوش رادیو بود. در آن زمان نیروی انسانی متخصص وجود نداشت، فقط علاقه‌مندان به رادیو و تلویزیون و انقلاب، وارد رادیو شدند. خط قرمزهای انقلاب هم بعضی از افراد کارآموده را کنار گذاشت.

□ من فکر می‌کنم وقوع جنگ؛ به تعدیل نیروهایی که قرار بود در رادیو انجام گیرد؛ سرعت بخشید نظر شما چیست

○ بله. جنگ مانند چراغی راه را روشن کرد و هر کسی، راهی را که می‌خواست، رفت.

□ یادم می‌آید در آن زمان ناگهان تماس می‌گرفتند و خبر

وقوع عملیاتی را می‌دادند و شما نیز باید زمینه‌های رسانه‌ای آن را فراهم می‌کردید. بنابراین تمام برنامه‌های تولیدی قطع و از ساعت نه صبح تا دو بعد از ظهر برنامه‌های زنده پخش می‌شد. لطفاً بفرمایید این وظایف چگونه انجام می‌شدند و شما به عنوان کسی که در تشکیلات بودید؛ چه می‌کردید

○ به مانمی‌گفتند که عملیاتی در پیش داریم. قبل از عملیات هم هر چه برنامه‌ها عادی تر بودند برای نظامیان بهتر بود؛ چون عملیات لو نمی‌رفت. عملیات‌ها معمولاً در اواسط شب شروع می‌شد و برنامه‌ها از ظهر فردا به صورت ویژه در می‌آمدند؛ چون از شروع عملیات تا تمرکز بچه‌ها در مواضعشان، مدتی طول می‌کشید و لازم بود این زمان، در نظر گرفته شود. در آن زمان نقش رادیو از نقش خبر هم حساس تر بود؛ چون خبر باید صبر می‌کرد تا زمان پخش خبر، ولی رادیو همیشه پخش داشت. هر وقت از ستاد جنگ تماس می‌گرفتند، خود آقای یاسینی - مدیر پخش وقت - بلافاصله مارش می‌گذاشت. پخش مارش خوشحالی توأم با بیم را به دنبال داشت. همه کسانی که عزیزانشان در جبهه بودند با شنیدن مارش حس می‌کردند که ما داریم پیروز می‌شویم، ولی در هر عملیات، ماتعدادی کشته و زخمی داشتیم و این مقداری دلهره و بیم در دل عزیزان به وجود می‌آورد.

□ برای مارش از چه موسیقی‌هایی استفاده می‌کردید

○ مارش شهریار بود و چند مارش دیگر که زیر اطلاعیه‌ها پخش می‌شد و از سرودهای آقایان قره باغی و گلریز و همچنین سرودهای گروه کراول انقلاب استفاده می‌کردیم. ترکیب برنامه به این صورت بود که اول مارش بود، بعد اطلاعیه خوانده می‌شد و سپس سرود پخش می‌شد. سرودها از لحاظ اجرای ملودی و شعر، بی‌نظیر بودند.

مثلاً اجرای «ایران، ای سرای امید» آقای شجریان بسیار دلنشین بود و یاقطعاتی از شهرام ناظری با نام «گل همیشه بهار» با شعر آقای معلم.

□ **یادتان هست سرودهای جنگ از چه زمانی شروع شدند**

○ سرودهای جنگ از اوایل جنگ شروع شدند. به نظر من واکنش واحد موسیقی از همه واحدها سریع تر بود. تولید به صورت انبوه بود و جنگ، همدلی میان افراد، به وجود آورده بود و ضابطه های دست و پاگیر وجود نداشت. در کل همه عاشقانه کار می کردند و در واقع بسیجی بودند و می گفتند حالا که نمی توانیم در جبهه باشیم، پشت جبهه کار می کنیم.

□ **برنامه های ویژه شامل چه بخش هایی بودند**

○ در برنامه های ویژه، غیر از سرود و موسیقی های حماسی، از گزارش هایی که از جبهه ارسال می شد استفاده می کردیم. مردم به این گزارش ها علاقه زیادی داشتند؛ چون از طریق گزارش ها از حوادث جبهه ها باخبر می شدند. ما گزارش ها را کوتاه کرده، در طول برنامه و یا در قسمت های مختلف، میان دو بخش خبری پخش می کردیم.

□ **خبرها در چه ساعتی از روز پخش می شدند**

○ در ساعت های ۷، ۸، ۱۴، ۲۰ و ۲۴.

□ **اواخر سال ۱۳۵۹ روزگار سختی داشتیم. خبر سقوط خرمشهر و محاصره آبادان فضای ناامیدکننده ای را به وجود آورده بود. شما در این روزهای سخت چه می کردید**

○ در آن زمان با این که ۲۷ سال داشتم، مجبور بودم رادیو را اداره کنم و جالب اینکه بقیه همکاران (آقایان خزایی، کریمی، نبوی، یاسینی، غلامی و...) هم موقعیت مشابه مرا داشتند. موقعیت بحرانی مانند انقلاب و جنگ، کار را به مراتب سخت تر می کرد. در آن دوران، مادر رادیو، اصولی برای اداره رادیو نداشتیم؛ نه فرصت یادگیری داشتیم و

نه آمادگی آن را. در واقع هیچ اصل و ضابطه ای نداشتیم. در ابتدای جنگ، موقعیت ما امیدوار کننده نبود. البته خبر مقاومت بچه ها خیلی خوب بود، ولی از طرفی خبر شهید شدن بهترین، نازنین ترین، شجاع ترین و مسلمان ترین رزمندگان بسیار متأثر کننده بود. ناگفته نماند ما هم بنابر اصولمان نمی توانستیم دروغ بگوییم. فاصله شعارهای انقلاب ما تا آن لحظه، دو سال بود و ما نمی توانستیم از اصولی که به آنها پایبند بودیم، دست بکشیم. البته در پاره ای اوقات، مثلاً در خبر سقوط آبادان چاره ای نداشتیم و ناچار بودیم خبرهای جزئی را پخش کنیم.

□ **یعنی بعضی از مطالب؛ ماهیت خبری نداشتند**

○ بله، ماهیت خبری نداشتند، ولی هم راست بود و هم روحیه مردم را بالا می برد. چون نمی توانستیم بگوییم آبادان سقوط کرد. ما بر اساس اصطلاحاتی که فرماندهان نظامی به ما دیکته می کردند می گفتیم، ما یک عقب نشینی تاکتیکی انجام دادیم. از طرفی چون اطلاع ما از اوضاع، محدود بود ما گزارشگرانی را به خط مقدم جبهه ها اعزام می کردیم. پنج تا شش گزارشگر در جبهه بودند که مصاحبه می کردند و آن مصاحبه ها و گزارش ها را برای ما می فرستادند. آقایان جیران پور، برازی، تفقرداد و اکبر اوره ای از جمله آن گزارشگران بودند. در این بین اتفاقات جالبی هم می افتاد؛ مثلاً در عملیات ها هیجان گزارشگر به مراتب بیشتر از آن کسی است که از او گزارش تهیه می شود. یادم هست نواری را برای پخش به ما دادند که گزارشگر پرسیده بود: «آقا، شما برای چه به جبهه آمده اید؟» گفته بود: «ما آمده ایم تا با حق و باطل بجنگیم». یا مثلاً یکی گفته بود: «پدر، شما با ۶۰ سال سن، ۱۵ بچه و سه تا خانومتان (که آنها را رها کردید) چه جوری مدت ۱۵ روز در جبهه برای خدا می جنگید؟ - متوجه شد که همه چیز را در سؤال گفته است - حالا اگر پیامی دارید بفرمایید». از این

در تمام دوران جنگ،

رئیس اصلی رادیو و

تلویزیون که هر وقت

لازم بود می توانستیم

از او راهنمایی بگیریم،

شخص حضرت امام

(ره) بود



اتفاقات که انصافاً بعضی از آنها شیرین بودند، زیاد اتفاق می افتاد. رادیو در آن زمان خط شکن بود و تلویزیون معمولاً روی سفره حاضر و آماده می نشست.

□ همه این اتفاقات بدون کلاس و دستورالعمل اتفاق می افتاد

○ به نظر من مدیریت رادیو در زمان جنگ شبیه خود جنگ است. جنگ ما با جنگ های کلاسیک دنیا متفاوت بود. برای مثال، ما برای تهییج نیروها در جبهه مارش نداشتیم و از «نوحه» استفاده می کردیم؛ چیزی که ملودی اش برای زمان صلح خوب بود؛ زیرا خشن و کوبنده نبود و بیشتر جنبه عاشقانه و عارفانه داشت. نکته دوم اینکه جنگ ما بر اساس دشمنی و نفرت نبود، بلکه بر اساس عشق بود. بچه های ما در جبهه به خاطر نفرت از عراقی ها جلو نمی رفتند، بلکه به دلیل عشق به خدا و اسلام و امام می جنگیدند. در جنگ ما،

○ ما برای سرعت عمل بیشتر، پخش را زیر نظر آقای یاسینی بادی منبع، یکی دفتر مرکزی خبر و دیگری ستاد جنگ، هماهنگ کرده بودیم. ستاد تبلیغات با سپاه و ارتش هماهنگ بود. آنها خبرها را می گرفتند و با یک قالب رسانه ای تهیه و پخش می کردند. در تولید هم، روزهایی که وضعیت غیرعادی اعلام می شد، صبح دور هم جمع می شدیم و برنامه آن روز را طراحی می کردیم.

□ آقای ارگانی؛ آیا به یاد دارید که چگونه گوینده انتخاب می کردید و متن های جنگی را چگونه تهیه می نمودید

○ ما در پخش، تحریریه داشتیم که برای برنامه های زنده مطلب می نوشتند و گوینده شیف، مطالب را می خواند. ولی در مجموع آقایان کریمی، دوستی و نورشاهی گوینده های خاص خبرهای جنگ بودند و روزهای عملیات از صدای آنها استفاده می شد.



شاید در هیچ یک از دوره های مدیریتی، به اندازه مدیریت در رادیو مستقل، آزاد و راحت نبودم. واقعاً در آن زمان، رادیو مثل یک خانواده اداره می شد. در زمان بحران، مدیریت بحران به خوبی اعمال می شد. ما از ستاد جنگ خبر می گرفتیم و کاملاً با نیروهای سپاه و ارتش هماهنگ بودیم. در رادیو هم با هم خوب کار می کردیم و با واحد مرکزی خبر همپوشی خوبی داشتیم

□ سال ۱۳۶۰؛ سال سختی برای شما بود؛ فتح خرمشهر؛ آزادی حصر آبادان و فرار بنی صدر. آیا شما در دوره جنگ با بنی صدر اصطکاکی داشتید

○ نه، اصولاً بنی صدر مدیر بدی بود. نه به لحاظ اخلاقی بلکه به لحاظ مدیریتی. به نظر من انقلاب چند سوء تفاهم داشت که یکی از آنها بنی صدر بود. او اصلاً نمی دانست کجاها باید دخالت و کجاها سکوت کند. در تمام دوران جنگ، رئیس اصلی رادیو و تلویزیون که هر وقت لازم بود می توانستیم از او راهنمایی بگیریم، شخص حضرت امام (ره) بود. ایشان با واسطه ستاد یا آقای محمد هاشمی و یا پیغام هایی که از طریق حاج احمد آقامی آمد، می گفتند مثلاً این خوب است، این را کمی احتیاط کنید. خود حاج احمد آقا مستقیماً هم با

بسیجی ها خیلی هماهنگ نبودند و ما همین ناهماهنگی را در مدیریت رادیو داشتیم. مایک رادیوی جنگی را اداره می کردیم که از رادیوهای مشابه متفاوت بود. در تمام جنگ های دنیا، خبر تعداد کشته شده ها را سانسور می کردند، در حالی که ما این کار را نمی کردیم و سعی می کردیم خبر صحیح را به مردم بگوییم؛ چون فرهنگ ما فرهنگ شهادت بود. نکته اصلی درباره اداره رادیو در زمانی که ما نه ضوابط داشتیم و نه تجربه و نه فرصت، این بود که بزرگ ترین منبع الهام ما برای فعالیت هایمان، خود جنگ بود و ما مستقیماً با خود جنگ ارتباط برقرار می کردیم و سعی می کردیم از خود او دستور بگیریم.

□ برای دریافت سریع اطلاعات جنگ با چه سازمان یا ستادی در رابطه بوده اید

پخش تماس می گرفتند و هم با آقای محمد هاشمی. به هر حال، ما احساس می کردیم امام بالای سرماست.

□ شما از سال ۱۳۶۰ خاطره ای از رادیو و اداره آن دارید

○ ماسعی کردیم گروه های برنامه ساز و وظایف آنها را معین کنیم و چون من علاوه بر مدیریت رادیو، مسئول واحد موسیقی هم بودم، سعی کردم برای این واحد هم شرح وظایفی مشخص کنم. و برای نمایش نامه، گزارش و موسیقی به استانداردهایی دست پیدا کنیم. از طرفی درباره زمان پخش برنامه ها هم زیاد صحبت کردیم.

□ آقای ارگانی؛ از خاطرات سال ۱۳۶۱ و فتح خرمشهر بگویید

○ وقتی خبر فتح خرمشهر را شنیدیم، من در تلویزیون مشغول بودم. در آن زمان با آقای یاسینی تماس گرفتم. تا زمان پخش خبر، ۴۵ دقیقه فاصله زمانی بود و ما می خواستیم این خبر را زودتر پخش کنیم.

تبلیغات جنگ و ثبت خاطرات آن دوران، ارزش و

قیمتی والا دارد. مدیریت در رادیو آن هم در

زمان جنگ از دشوارترین مسوولیت هادر تاریخ

رادیو بوده است

بنابراین یک مراسم رسانه ای برای آن گرفتیم؛ برنامه های عادی را قطع کردیم. در حالت عادی هر ۱۰ دقیقه از جنگ خبر پخش می کردیم ولی در آن زمان، فاصله رابه پنج دقیقه رساندیم. اول گفتیم «یک خبر مهم» و انتظار ایجاد کردیم و سعی کردیم مردم خبر را با صدای کریمی بشنوند. تأثیر خبری که از رادیو شنیده شد بسیار گسترده بود؛ شیرینی فروشی ها خالی شدند، مردم به خیابان ها ریختند و افسردگی حاکم بر کشور با این خبر شفا یافت و بعد از آن، ما شاهد پیروزی هایی چون فتح المبین بودیم. در کل، سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳ سال های پیروزی رزمنده هایمان بود.

□ در اداره رادیو چقدر استقلال داشتید

○ کاملاً استقلال عمل داشتیم. شاید در هیچ یک از دوره های مدیریتی، به اندازه مدیریت در رادیو مستقل، آزاد و راحت نبودم. واقعاً در آن زمان، رادیو مثل یک خانواده اداره می شد. در زمان بحران، مدیریت بحران به خوبی اعمال می شد. ما از ستاد جنگ خبر می گرفتیم و کاملاً با نیروهای سپاه و ارتش هماهنگ بودیم. در رادیو هم با هم خوب کار می کردیم و با واحد مرکزی خبر همپوشی خوبی داشتیم. معمولاً بلافاصله بعد از عملیات، گروه تولیدی می فرستادیم؛ چون بعد از عملیات، زمان تعریف کردن خاطره بود. اینکه رزمنده ها تعریف کنند چگونه پیروز شدند، شب عملیات چه کردند و در زمان عملیات چه اتفاقی افتاد. به طور کلی در زمان

عملیات، هم در تولید و هم در پخش فعالیت ویژه بود. برای مثال، آقای جعفری جلوه مدیر نمایش وقت- در زمان عملیات سعی می کردند طرحی درباره نمایش های جنگی ارائه کنند.

□ زمان هایی بود که ما شاهد رکود در جبهه بودیم. برای اینکه این

رکود تأثیر بد و منفی روی جامعه نگذارد؛ شما چه می کردید

○ وظیفه ما در زمانی که عملیات نبود، این بود که روحیه دفاعی و جنگی مردم را تازه نگه داریم، و متوجه آستانه تحمل مردم را باشیم؛ یعنی باید مدتی به مردم استراحت می دادیم. شاید این قضیه در عمل، درست اعمال نمی شد. برای مثال، همیشه بعد از ساعت نه شب آقای قادر پناه تفسیر می خواند و این تفسیر را گاهی به صورت شعار اجرا می کرد. یکبار در جلسه معاونین به آقای محمد هاشمی و آقای زورق- معاون سیاسی- گفتم لطف کنید به ما یک ربع وقت بدهید تا یک جای بنوشیم. چقدر آقای قادر پناه می گوید بپا خیزید!

□ رابطه رادیو با مردم در زمان جنگ چگونه بود

○ در زمان جنگ یک موضوع بود که خیلی به ما کمک می کرد و آن همدلی و یکدست بودن ملت ایران بود. انقلاب، تازه پیروز شده بود و مردم، مدیران رسانه را به چشم معتمد خود نگاه می کردند. لذا ما فشارهای اجتماعی نداشتیم. من می دانم که آدم قوی ای نیستم، آدم خیلی باهوشی هم نیستم. من آدمی معمولی ام که توانستم در آن شرایط دوام بیاورم و رادیو را اداره کنم و خیلی هم با روحیه خوب این وظیفه را انجام دادم، ولی این انجام وظیفه به خاطر پشتیبانی مردم از ما بود. آنها مطمئن بودند که ما درست می گویم.

□ شما چه تصویری از دوره مدیریتی خود در زمان جنگ دارید

○ من زیباترین و مهم ترین دوران زندگی ام را در رادیو بودم. در آن دوران هر کاری که می توانستم برای جبهه و جنگ انجام دادم. ما سعی کردیم ارتباط مابین واسطه باشد و بزرگ نمایی یا کوچک نمایی اغراق آمیز نداشته باشیم. به نظر من، ما برای تبلیغات جنگ و ثبت خاطرات آن دوران در رادیو بیشترین خدمت را کردیم و توانستیم یک آینه تمام نمای، بی غبار و بی واسطه برای جنگ باشیم. به هر حال هر کسی که در جبهه نبود، جنگ را در رادیو نگاه می کرد و ارزش و قیمت جنگ را درک می نمود.

□ شما آینده رادیو را چگونه می بینید

○ آینده رادیو موسیقی است و خبر؛ یعنی رادیو قطعاً چنین ماهیتی خواهد داشت؛ چون پیشرفت و وسایل ارتباطی و پدید آمدن اینترنت و همچنین ماهواره ها و سیستم های دیجیتال باعث خواهند شد که رادیو آرام آرام از نمایش نامه، گزارش و مستند به سوی خبر و موسیقی سوق یابد.

